

Designing a model of cultural barriers for women's participation in leisure sports activities in sports recreation centers

Mehdi Salimi^{1*}, Leila Moslehi², Amir Hossein Labbaf¹

¹ Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

² Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 2021/12/31

Accepted: 2022/01/23

Research Paper

Abstract

Purpose: Leisure is one of the dimensions of social life that if it contradicts the common culture of society, it can become a social problem or dilemma; therefore, the present study was conducted with the aim of designing a model of cultural barriers to women's participation in leisure sports activities in sports recreation centers.

Methodology: The research method in terms of type and data analysis was qualitative with a data theorizing approach. The statistical population of the study consisted of senior managers, officials and faculty members aware of the field of research, which in order to select the sample people, purposeful sampling method based on a theoretical approach was used. The required data were collected using in-depth interviews and analyzed in three stages of open, axial and selective coding.

Results: Based on the obtained results, causal conditions include the existence of non-indigenous culture, patriarchal perspective, weakness in the capital of women's sports culture, lack of social support and motivational barriers; Underlying conditions including economic factors, facility and facility factors and managerial factors and intervening conditions including individual factors and religious tendencies were identified. Strategies were introduced in three areas of needs assessment and policy-making, localization and alignment of relevant bodies, and after presenting the consequences, a paradigm model was presented.

Conclusion: Needs assessment and policy-making, alignment of organs to achieve goals and localization of leisure activities have desirable results in order to remove cultural barriers to the presence of women in sports and recreation centers and use the benefits, Will bring.

Keywords: Culture, Women, Sports, Leisure

* Corresponding Author: m.salimi@spr.ui.ac.ir

طراحی مدل موانع فرهنگی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی اوقات فراغت در مراکز تفریحی ورزشی

مهدی سلیمی*^۱، لیلا مصلحی^۲، امیرحسین لباف^۱

۱. گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۳

چکیده

هدف: اوقات فراغت یکی از ابعاد زندگی اجتماعی است که اگر با فرهنگ رایج جامعه مغایرت داشته باشد، می‌تواند تبدیل به یک مشکل یا معضل اجتماعی شود؛ لذا پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل موانع فرهنگی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی اوقات فراغت در مراکز تفریحی ورزشی انجام شد.

روش شناسی: روش تحقیق پژوهش از لحاظ نوع و تحلیل داده‌ها، از نوع کیفی با رویکرد نظریه‌سازی داده بنیاد بود. جامعه آماری پژوهش را مدیران ارشد، مسئولان امر و اعضای هیئت علمی آگاه به حیطه پژوهش تشکیل دادند، که به منظور انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری هدفمند مبتنی بر رویکرد نظری استفاده گردید. داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های عمیق جمع‌آوری و در قالب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس نتایج به‌دست آمده شرایط علی شامل وجود فرهنگ غیربومی، دیدگاه مردسالارانه، ضعف در سرمایه فرهنگ ورزش زنان، عدم حمایت اجتماعی و موانع انگیزشی؛ شرایط زمینه‌ای شامل عوامل اقتصادی، عوامل امکاناتی و تسهیلاتی و عوامل مدیریتی و شرایط مداخله‌گر شامل عوامل فردی و گرایش‌های مذهبی شناسایی گردید. راهبردها در سه حوزه نیازسنجی و سیاست‌گذاری، بومی‌سازی و همراستایی ارگان‌های ذی‌ربط معرفی شد و پس از ارائه پیامدها، مدل پارادایمی ارائه گردید. **نتیجه‌گیری:** نیازسنجی و سیاست‌گذاری، همراستایی ارگان‌ها برای دستیابی به اهداف و بومی‌سازی فعالیتهای اوقات فراغت نتایج مطلوبی را در راستای رفع موانع فرهنگی حضور زنان در مراکز تفریحی ورزشی و استفاده از منافع حاصل از آن، به همراه خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، زنان، ورزش، اوقات فراغت

مقدمه

امروزه توجه به کیفیت زندگی و تلاش برای افزایش سطح سلامت و پیشگیری از امراض از اولویت‌های ملی هر جامعه است (Habibi et al., 2019: 216) و این در حالی است که یکی از پیامدهای ماشینی‌شدن زندگی و پیشرفت فناوری علی‌الخصوص در جوامع مدرن، فقر حرکتی و کاهش فعالیت فیزیکی مناسب در بین افراد است و از دیدگاه سلامتی، این مشکل یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه امروز است (Nowak et al, 2019: 1).

در جهان امروز فعالیت‌بدنی به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی سبک زندگی سالم و به عنوان راهی برای رهایی از فشارهای روحی و روانی مطرح است؛ افرادی که مرتباً در فعالیت‌های بدنی شرکت می‌کنند، از بیماری‌های جسمی و استرس کمتری برخوردار بوده و اعتماد به نفس بیشتری دارند (Shariati Feyzabadi et al., 2012: 28)؛ همچنین انجام سطوح بالای فعالیت‌بدنی در ترکیب با سایر گزینه‌های سبک زندگی سلامت‌محور نتایج بهتری در سلامتی افراد به همراه دارد (Lacombe et al, 2019: 2).

نتایج تحقیقات در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد بیش از یک چهارم بزرگسالان در سطح جهان از نظر جسمی به اندازه کافی فعالیت جسمانی ندارند و در اکثر کشورها، زنان نسبت به مردان کمتر فعال هستند، به طوری که آمار نشان می‌دهد متوسط جهانی زنان غیرفعال ۳۱/۷ درصد و مردان غیرفعال ۲۳/۴ درصد می‌باشد (The Lancet, 2019: 360). اگرچه آثار فعالیت ورزشی به عنوان یکی از انواع روش‌های گذراندن اوقات فراغت به صورت فعال، بر ساختار جسمانی نظیر افزایش توانایی دستگاه‌های قلبی ریوی، ترشحات، ایمنی و نیز آثار روانی آن در زنان کمتر از مردان نیست (Darabi, 2010: 79)، اما به نظر می‌رسد در کشور ما نیز به دلیل وجود محدودیت‌ها و عوامل بازدارنده، زنان با مشکل جدی عدم تحرک مواجهند (Aligol et al., 2017: 1314).

زنان پایه‌های اصلی شکل‌گیری یک خانواده سالم هستند و نقش انکارناپذیر در حفظ سلامت روان بقیه افراد خانواده را دارند. بسیاری از زنان، خارج از زمان مربوط به شغل خود یا انجام کارهای خانه، یا فراغتی اندک و تکه تکه دارند و یا فراغت کامل دارند که آن را بدون داشتن برنامه‌ای از پیش اندیشیده شده می‌گذرانند. از سوی دیگر جایگاه زنان در جامعه، محدودیت آن‌ها در دسترسی به امکانات، انتظارات اجتماع در مورد زندگی زنان و نقش‌های چندگانه‌ای که آن‌ها در زندگی خانوادگی خود دارند سبب شده است تا آزادی عمل زنان کاهش یابد و انتخاب‌های آن‌ها محدود یا با مانع مواجه شود (Alborzi and Mozaffari, 2016: 86). کارشناسان نیز همواره به این موضوع صحنه گذاشته‌اند که محدودیت‌های امکانات تفریحی و ورزشی برای زنان، عدم برنامه‌ریزی برای بهبود وضع امکانات، نبود یا کمبود مربیان مجرب، موانع فرهنگی و مشکلات خانوادگی بر مشکلات آنان افزوده است. نبود کلوب‌های تفریحی، باشگاه‌های سالم و سودمند و نداشتن فضاهای ورزشی مسائلی است که به ویژه زنان در آرزوی تحقق آن‌ها هستند (Motameni et al., 2015: 113). در مجموع به نظر می‌رسد میان عوامل موجود در عرصه زندگی خصوصی زنان از یک سو و عوامل اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر با گذران اوقات فراغت، از لحاظ میزان پرداختن زنان به فعالیت‌های اوقات فراغت و رضایتمندی آنان از گذران آن رابطه وجود دارد (Alborzi and Mozaffari, 2016: 86)، در حالی که به جرات می‌توان اظهار داشت ورزش بیش از هر فعالیت دیگری پرکننده اوقات فراغت مردم است و در بعضی کشورها از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌تواند در سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورها از عوامل تعیین کننده باشد (Tondnevis, 2003: 116).

از آنجایی که ورزش پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی است و بعنوان یک نهاد اجتماعی ارزش‌ها، هنجارها، ساختارها و ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی جوامع را منعکس می‌کند، میزان مشارکت افراد در ورزش نیز تحت تأثیر عوامل

اجتماعی-فرهنگی قرار دارد. یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که از زمان شکل‌گیری جامعه‌شناسی ورزش تا زمان کنونی شناخت کمی درباره آن وجود دارد اینست که چرا میزان مشارکت بانوان در فعالیتهای ورزشی اندک است و چه عواملی بر آن تأثیرگذار است. فرهنگ، زیربنای هر نوع توسعه و مهم‌ترین عامل در تغییرات و تحولات اجتماعی است؛ بدین معنی که هرگونه پیشرفت و توسعه در شاخص‌های اجتماعی مانند اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، امنیت و احساس امنیت و کیفیت زندگی بر مبنای فرهنگ جامعه شکل می‌گیرد (Mir Yousefi et al., 2017: 132). فرهنگ جامعه ایرانی از روزگار کهن، دینی بوده و اصولاً دین در جغرافیای ایران و در کل تاریخ این سرزمین، یکی از ضرورت‌ها و بایسته‌ها به شمار می‌آمده است (Jafari and Ghasemi, 2014: 130). فرهنگی غنی است که پاسخگوی همه نیازهای انسان در تمام ابعاد با کیفیتی مطلوب باشد. ورزش بخشی از فرهنگ است و بین این دو رابطه مستقیم وجود دارد. به همین دلیل چگونگی رشد و توسعه ورزش در هر جامعه به فرهنگ جامعه آن کشور بستگی دارد (Abbasi Bakhtiari, 2012: 1). ورزش خود یک فعالیت فرهنگی است که به افراد فرصت خودشناسی، ابراز عقیده، موفقیت شخصی، کسب مهارت، به نمایش گذاردن توانایی‌ها، تعامل اجتماعی و لذت بردن از سلامتی و رفاه می‌دهد (Gholizadeh and Seyed Salehi, 2016: 24). توجه به ورزش و به خصوص ورزش زنان می‌تواند مزایای بارزی برای جامعه به همراه داشته باشد که این امر توجه ویژه در جهت ارتقا سطح فرهنگی حضور زنان در اماکن مربوط به فعالیتهای ورزشی اوقات فراغت را نمایان می‌سازد.

با توجه به رابطه مستقیم فرهنگ و شرایط اجتماعی با فعالیتهای ورزشی اوقات فراغت زنان، عموماً تحقیقات خارجی نمی‌تواند رابطه عوامل و موانع فرهنگی موثر بر مشارکت ورزشی بانوان در کشور را آشکار سازد. بنابراین با توجه به اهمیت و نقش مطالعات علمی برای شناسایی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در این حوزه، در پژوهش حاضر طراحی مدل موانع فرهنگی مشارکت زنان در فعالیتهای ورزشی اوقات فراغت در مراکز تفریحی ورزشی مورد توجه قرار گرفت.

در بخش مطالعات داخلی، نظری‌آزاد و همکاران (Nazari Azad et al., 2020) پژوهشی با عنوان تحلیل جامعه‌شناختی از نابرابری جنسیتی در ورزش را از منظر زنان ورزشکار ملی انجام دادند. نتایج نشان داد، متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، الگوپذیری از والدین، تحصیلات زنان و استفاده از رسانه‌ها، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق داشته و در مجموع توانستند بیش از ۴۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند. علی‌وند و همکاران (Alivand et al., 2018) در پژوهشی تحت عنوان "تبیین جامعه-شناختی مشارکت ورزشی زنان با تأکید بر هنجارهای جنسیتی" انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد مولفه‌های هنجارهای جنسیتی، درآمد و تحصیلات به ترتیب مهم‌ترین عوامل مرتبط با مشارکت ورزشی زنان هستند. عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با میزان گرایش شهروندان به ورزش همگانی در خلخال توسط عابدینی و طالبی (Abedini and Talebi, 2018) مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد، بین متغیرهای حمایت خانواده، تصور خویش از بدن، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی شهروندان و میزان گرایش آن‌ها به ورزش همگانی رابطه مثبت وجود دارد. بناگر و همکاران (Banagar et al., 2016) پژوهشی با عنوان "اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان" در شهرستان آمل انجام دادند که نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین مشارکت زنان در اوقات فراغت فعال بیشتر از مشارکت زنان در فراغت غیرفعال است. نتایج نشان داد از میان سه بعد سرمایه فرهنگی، دو بعد سرمایه فرهنگی عینیت یافته و نهادینه شده دارای تأثیر معنادار بر اوقات فراغت می‌باشند. مرسل (Morsal, 2015) در پایان نامه کارشناسی ارشد به موضوع "مدیریت و برنامه‌ریزی مشارکت مردم تهران در

تفریحات ورزشی فضای باز؛ با توجه به انگیزه‌ها، موانع، رضایت فراغتی و رضایت از زندگی " پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد مشارکت مردان در تفریحات ورزشی فضای باز بیشتر از زنان بود، در حالی که رضایت فراغتی زنان بیشتر از مردان بود.

سیدعامری و محمدآلق (Seyed Ameri and Mohammad Alegh, 2013) در پژوهشی به تبیین راهکارهای جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزشی همگانی و تفریحی در ارومیه پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد راهکارهای تبیین شده در رابطه با رسانه‌های گروهی، اماکن و تاسیسات ورزشی، مسئولان و برنامه‌ریزان ورزشی و آموزش ورزش همگانی در جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزشی همگانی و تفریحی نقش دارند. لذا اختصاص زمان بیشتری به برنامه‌های ورزشی در رسانه، طرح ریزی پارک و فضای تفریحی جهت انجام فعالیت‌های غیرساختمند مانند پیاده‌روی و دوچرخه سواری، عدم دریافت شهریه از کسانی که برنامه‌های ورزشی را مورد توجه قرار می‌دهند و نیز استفاده از مربیان متخصص از راهکارهایی است که می‌تواند مشارکت عمومی شهروندان را در برنامه‌های ورزش همگانی و تفریحی بهبود ببخشند.

در بخش مطالعات خارجی، محدودیت‌های مشارکت دانش‌آموزان دختر پاکستانی در فعالیت‌های ورزشی توسط لار و همکاران (Laar et al, 2019) مورد بررسی قرار گرفت. محدودیت‌های فرهنگی یکی از موانع مهم شناسایی شد که می‌تواند عوامل دیگر را نیز تحت تاثیر قرار دهد. به دلیل عدم حمایت فرهنگ از مشارکت ورزشی دختران، خانواده‌ها و معلمان، آن‌ها را به فعالیت ورزشی ترغیب و تشویق نمی‌کنند. این موانع باعث شده است ورزش در اماکن عمومی را کنار بگذارند. عدم حمایت والدین و تصمیم گیرندگان و محدودیت‌های فرهنگی منجر به فقدان مهیاسازی امکانات و زیرساخت مناسب در این زمینه می‌شود. نتایج پژوهش نشان داد دختران دانش‌آموز پاکستانی به صورت کلی در پرداختن به فعالیت‌های ورزشی با محدودیت‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مواجه هستند. رماچا و همکاران (Remacha et al, 2019) موانع مشارکت ورزشی زنان رمی و غیر رمی در مناطق محروم ایتالیا را مورد بررسی قرار دادند. سه دسته از موانع درک شده برای فعالیت ورزشی مشخص شد: شخصی (یعنی اقتصادی، محدودیت‌های جسمی، بیماری و خصوصیات روانی) اجتماعی (فرهنگ، عدم حمایت اجتماعی و خانواده) و محیط زیست. خانواده به عنوان مهم‌ترین و متداول‌ترین موانع مشارکت ورزشی در زنان شناخته شد. محدودیت‌های مشارکت ورزشی در اوقات فراغت زنان مسلمان مهاجر در کشور دانمارک توسط لنیز و فیستر (Lenneis & pfister, 2017) مورد بررسی قرار گرفت. آمار به دست آمده از میزان مشارکت ورزشی بانوان مسلمان مهاجر در زمان اوقات فراغت، میزان بسیار پایینی را نشان داد. نتایج نشان داد، عدم تجربه قبلی در زمینه انجام فعالیت‌های ورزشی تفریحی اوقات فراغت و محدودیت‌های شرایط زندگی، از مهم‌ترین موانع مشارکت بود.

جوهاری و همکاران (Juhari et al, 2015) در پژوهشی به شناسایی موانع مشارکت زنان مسلمان در کشور تایلند پرداختند. موانع مشارکت ورزشی در چهار بخش محیط و اماکن ورزشی، محدودیت‌های زمانی، عدم حمایت خانواده و مشکلات جسمی مورد سوال قرار گرفت. نتایج نشان داد مهم‌ترین مانع مشارکت ورزشی، مولفه محیط و اماکن ورزشی شناسایی شد. موانع فرهنگی-اجتماعی حضور زنان در سطوح مختلف ورزشی توسط عباسی (Abbasi, 2014) شناسایی شد. پس از بررسی دقیق ۳۴ مقاله انتخاب شده، عوامل مراقبت از فرزندان، کار منزل، عقاید فرهنگی، انزوای اجتماعی و محیط‌های ناامن برای زنان به عنوان مهم‌ترین موانع فرهنگی اجتماعی شناسایی شد. عدم حمایت اجتماعی از خانواده، زندگی در خانواده‌های پرجمعیت، فقدان امکانات مناسب فرهنگی، و در بعضی کشورها تجربیات گذشته در مورد جنگ از جمله موانع بود.

نتایج پژوهش کوکا و همکاران (Koca et al, 2009) نشان داد، مسئولیت های خانوادگی، مراقبت از فرزندان، زمان، پذیرش اجتماعی و اقتصاد مهم ترین محدودیت های فعالیت بدنی در زمان اوقات فراغت زنان در کشور ترکیه محسوب می شود. این مطالعه همچنین تفاوت های ظریف این محدودیت ها را نشان دهنده تنش بین جامعه سنتی و معاصر ترکیه و به ویژه مربوط به ادراکات پیرامون ایدئولوژی های فرهنگی و مذهبی دانست. به نظر می رسد وضعیت اجتماعی-اقتصادی زنان همراه با محدودیت های مذهبی زنان در این کشور، موجب تفاوت های نتایج به دست آمده در این زمینه در مورد این جامعه آماری و زنان غربی است.

مبانی نظری

۱. اوقات فراغت از دیدگاه جامعه شناسی

در عصر حاضر، اندیشه درباره فراغت کم و بیش با پیدایش جامعه شناسی فراغت، یعنی دانشی که در نظر دارد این مسائل را به وسیله روش های علمی مورد بررسی قرار دهد و تفکری سازمان یافته ایجاد کند، مرتبط است. برخی جامعه شناسان در تعریف «اوقات فراغت»، به ویژگی های آن، عده ای به اهداف، و گروهی به آثار و نتایج آن توجه کرده اند. از جمله در تعریفی جامع اوقات فراغت در برگیرنده مجموعه ای از اشتغالات است که فرد با کمال میل بدان می پردازد. خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع و خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن (بدون توجه به اهداف مادی) و خواه برای مشارکت اجتماعی آزاد، بعد از آنکه از الزامات حرفه ای، خانوادگی و اجتماعی فارغ گشت.

نظر جامعه شناسان امروزی این است که فراغت واقعیتی است کاملاً تازه، که در بافت جامعه صنعتی پدید آمده است و آن را نمی توان با بیکاری سده های گذشته مقایسه کرد. تصور می شود که جامعه شناسی فراغت به عنوان امری ضروری مطرح است، زیرا دانشی است که می خواهد مسائل واقعیت حولات حوزه کار و شیوه زندگی را مطالعه کند (Ebrahimi et al., 2012: 72).

۲. رابطه فرهنگ و اوقات فراغت

اگر تلقی فراغت به مثابه "مبنای فرهنگ"، یا تلقی فرهنگ بازی و سرگرمی به منزله "بنیان فکری رنسانس غرب" را مجادله برانگیز و یا کمی مبالغه آمیز تلقی کنیم، با این حال گزاف نخواهد بود که فراغت را آینه تمام نمایی از نشانه ها فرهنگ محسوب کرده و شناسایی تحولات، تغییرات و یا فعالیت های فراغتی را شاخص مهمی در درک فرهنگ و حوزه های تمدنی گوناگون بدانیم (Zakai, 2012: 77).

نحوه گذراندن اوقات فراغت منعکس کننده فرهنگ و ارزش ها و معیارهای جامعه است. اگر اوقات فراغت افراد با ارزش های رایج جامعه مغایرت داشته باشد، تبدیل به یک مشکل یا معضل اجتماعی می شود. بنابراین اوقات فراغت با توجه به معیارهای فرهنگی می تواند هم نقش سازنده و هم مخرب داشته باشد (Soltani Banavandi, 2018: 1). انتخاب نوع فعالیت جهت گذران اوقات فراغت، با فرهنگ جامعه یا سرمایه های فرهنگی فرد رابطه دارد. در واقع، از سویی فرهنگ ها اوقات فراغت خاصی را طلب کرده و پیشنهاد می کنند؛ از سویی دیگر، سرمایه های فرهنگی متفاوت، اوقات فراغت متفاوتی را به همراه دارند (Abbaszadeh et al., 2014: 127).

نتایج پژوهش حمزه زاده افخم و نجف زاده (Hamzezade Afkham and Najafzade, 2016) نشان می دهد بین سرمایه فرهنگی با گذراندن اوقات فراغت با تاکید بر فعالیت ورزشی ارتباط وجود دارد و از میان مولفه های

سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، نهادینه شده و عینیت یافته) یک رابطه خطی بین سرمایه فرهنگی عینیت یافته با گذراندن اوقات فراغت قابل مشاهده می‌باشد.

۳. زنان و اوقات فراغت

شماری از کسانی که در زمینه اوقات فراغت بر روی مسائل فمینیستی کار کرده‌اند، به طور متقاعدکننده‌ای استدلال می‌کنند که اوقات فراغت برای مردان و زنان معنای متفاوتی دارد. بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه اوقات فراغت انجام گرفته بازتاب تجربه مردان در مورد اشکال و فعالیت های اوقات فراغت است (Ebrahimi et al., 2012). منطبق بر این نظر گرین (Green) نشان داد که زنان در مطالعات اوقات فراغت نادیده گرفته شده‌اند و بزرگترین نقد بر حوزه جامعه‌شناسی فراغت را همسان‌پنداری زنان و مردان در این حوزه می‌داند و عنوان می‌کند که فقدان اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح نباید به عنوان مشکل اجتماعی انگاشته شود؛ بلکه این مشکل جنبه‌ای از روابط جنسیتی است که از ویژگی‌های سرمایه‌داری پدرسالارانه می‌باشد و موجب می‌شود اوقات فراغت برای زنان مفهومی مبهم گردد، فراغت ایشان کم و ناچیز باشد، این اوقات بیشتر در خانه سپری شود، در این موضوع مردان از اقتدارمردانه استفاده کرده، به راحتی خروج زنان را منع می‌کنند و اجرای آن نیز ممکن است با تهدید یا اعمال خشونت همراه باشد. پارکر (Parker) اوقات فراغت را آنتی‌تز کار دستمزدی و به عنوان اوقات آزاد الزام‌های بیرونی می‌داند که باعث می‌شود فرد، زمان مذکور را به اعمال انتخابی بگذراند. او تمایزهای تفریحی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و مردان را ناشی از نقش متمایز آن‌ها تلقی می‌کند. همچنین او اذعان می‌دارد که اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کمتر بوده و لذا طیف فعالیت‌های تفریحی آنان نیز محدود است، به خصوص زنان کمتر از مردان به ورزش می‌پردازند (Safiri and Modiri, 2011: 149).

دلیل دیگر متفاوت بودن گذران اوقات فراغت زنان و مردان، رویارویی زنان جوان، با ارزش‌ها، سنت‌ها و اعتقادات است. براساس این عقاید و سنت‌ها، از دختران انتظاراتی می‌رود که شاید در مورد پسران چنین نباشد. این سنت‌ها موجب شده‌اند دختران در گذران اوقات فراغت به اندازه پسران آزادی عمل نداشته باشند (Jalali Farahani, 2008: 56).

۴. روابط متقابل فرهنگ و ورزش

ورزش یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که افراد را در یک شبکه اجتماعی که دارای روابط اجتماعی پیچیده هستند، به تعامل و کنش متقابل وامی‌دارد و در قرن حاضر، عرصه ظهور رفتارها، نگرش‌ها، بازنمایی‌های معنا‌دار شده است (Tatari et al., 2020: 35).

ورزش به عنوان یک پدیده اجتماعی در قرن بیستم در حوزه مطالعات اجتماعی و فرهنگی به بررسی ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی جامعه پرداخته و به صورت ارتباط متقابل و مؤثر در قالب یک حوزه بین‌رشته‌ای بین علوم تربیت بدنی و علوم اجتماعی از جنبه‌های مختلف و نو مورد توجه قرار گرفته است. ورزش به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی، پیوندی آرگانیک با نهادها و ساختارهای اجتماعی دارد، به این معنا که دست‌آوردهای ورزش و فعالیت‌های مربوط به آن، به طور کلی یک شاخص فرهنگ عمومی محسوب می‌شوند (Abbasi Bakhtiari, 2012: 1). همین نزدیکی ارتباط بین این دو مقوله فرهنگ و ورزش، بحث از تأثیر یا تأثرات هر دو حوزه بر یکدیگر و فضای اجتماعی را برانگیخته و زمینه توجه جامعه‌شناسان و محققان را فراهم کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ نوع و تحلیل داده‌ها، از نوع کیفی با رویکرد نظریه‌سازی داده بنیاد است. رویکرد نظریه داده بنیاد یک نوع روش پژوهش کیفی است که به‌طور استقرایی یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای درباره پدیده مورد مطالعه ایجاد کند. در پژوهش حاضر از رهیافت نظام‌مند به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. در رهیافت نظام‌مند، بر استفاده از گام‌های تحلیل داده‌ها مشتمل بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی، و تدوین یک الگوی منطقی با یک توصیف بصری از نظریه تولید شده تأکید دارد.

کدگذاری باز، فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم، شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن در داده‌ها کشف می‌شوند (Lee, 2001: 49). در این مرحله، نظریه‌پرداز داده بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات در خصوص پدیده در حال مطالعه را، به‌وسیله تقطیع اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر همه داده‌های گردآوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و یادداشت‌ها بنیان می‌گذارد. در پژوهش حاضر مصاحبه‌های ضبط شده پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی، مفهوم‌پردازی، مقوله‌بندی و سپس بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و خصوصیات مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه‌ای از مفاهیم) مشخص گردیدند. کدگذاری محوری، فرآیند ربطدهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌هایشان، و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است (Strauss & Corbin, 1998). در مرحله کدگذاری انتخابی، یک مقوله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است به عنوان پدیده مرکزی قرار می‌دهد، و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه (نیمه‌ساختاریافته) بود. جامعه آماری پژوهش را مدیران ارشد و اعضای هیئت علمی آگاه به حیطه پژوهش تشکیل دادند. در روش تحقیق نظریه سازی داده بنیاد انتخاب منابع و مشارکت کنندگان از نوع نظری است که اصطلاحاً به آن نمونه‌گیری نظری نیز گفته می‌شود. در این روش، در پایان هر مصاحبه و بررسی متون مربوطه، داده‌ها تحلیل و بر اساس آن، منابع و مشارکت‌کننده‌های بعدی انتخاب می‌شوند و این روند تا جایی ادامه می‌یابد که همه مفاهیم و مقولات اصلی تشکیل دهنده پدیده مورد بررسی، به اشباع نظری برسند. در این تحقیق، داده‌ها بعد از انجام ۱۵ مصاحبه، به مرحله اشباع نظری حاصل شد.

به منظور اعتباربخشی به نتایج پژوهش حاضر معیارهای ارزشیابی لینکن و گابا (Lincoln & Guba, 1985) مدنظر قرار گرفتند که شامل معیارهای اعتبار، انتقال، قابلیت اعتماد و تاییدپذیری می‌شوند.

برای دستیابی به معیار اعتبار در پژوهش حاضر از روش‌های زیر استفاده شده است:

ارزیابی چندجانبه: در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و انتخاب نمونه پژوهش برای مصاحبه و طراحی سوالات مصاحبه از منابع و جنبه‌های گوناگونی استفاده شده است.

زمان کافی برای پژوهش و تایید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه شونده صرف شد.

تمام مراحل پژوهش برای استفاده احتمالی محققان دیگر، به صورت مکتوب مستندسازی شد، تا دستیابی به معیار انتقال‌پذیری محقق گردد.

در گام بعدی به منظور دستیابی به معیار اعتماد، از دو کدگذار در اجرای فرآیند کدگذاری استفاده شد. بدین منظور از یکی از اساتید مدیریت ورزشی آگاه به حیطه پژوهش درخواست شد تا به عنوان همکار پژوهش، سه مصاحبه به صورت تصادفی را کدگذاری نمایند. کدهایی که از نظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان توافق و کدهای غیر مشابه با عنوان عدم توافق مشخص شدند و درصد توافق بین دوکدگذار با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد و نتایج آن در قالب جدول (۱) ارائه شد.

$$\text{توافقات تعداد} \times 2 = \frac{\text{توافقات تعداد}}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100 = \text{پایایی درصد}$$

جدول ۱- میزان درصد پایایی بازآزمون

عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	درصد پایایی
P1	۱۹	۱۵	۴	۰/۷۹
P4	۱۷	۱۳	۴	۰/۷۶
P9	۱۱	۸	۳	۰/۷۲
کل	۴۷	۳۶	۹	۰/۷۶

یافته‌های پژوهش

در مرحله کدگذاری اولیه، ابتدا نکات کلیدی مصاحبه‌ها براساس حاشیه‌نویسی بر متون مصاحبه ارائه و از هر یک از نکات کلیدی مذکور، یک کد اولیه (مفهوم) استخراج گردید. در مرحله بعدی محقق برای این که بتواند با کدهای کمتری کار کند، ضمن بازخوانی و بازبینی چندباره متن داده‌ها، کدهای با محتوای مشترک را با هم ادغام می‌کند و آن‌ها را این بار در لوای رمز، کد یا مفهوم مشترکی که از مفاهیم اولیه انتزاعی‌تر است ادغام می‌کند. در این قسمت کدگذاری‌های محوری به صورت ترکیبی و محتوای هر یک از آن‌ها در قالب کدهای نظری قرار داده شدند. پس از کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی انجام می‌گیرد. کدگذاری انتخابی فرآیند ادغام و تصحیح نظریه است. نتایج مرتبط با شرایط علی پدیده محوری پژوهش در جدول شماره (۲) ارائه گردیده است. شرایط علی، حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی هستند که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامند. در این مطالعه شرایط علی به عواملی اشاره دارد که به فقدان زیرساخت فرهنگی مناسب برای زنان در مراکز تفریحی ورزشی منجر می‌شود.

جدول ۲- مفاهیم، مقولات فرعی و اصلی با شرایط علی

مقوله اصلی	کدهای باز ثانویه	کدگذاری باز اولیه (مفاهیم)
وجود فرهنگ غیربومی	ضعف در بومی‌سازی تاثیر فرهنگ غرب	عدم وجود برنامه مدون بومی‌سازی، ضعف در جهانی‌سازی گرایش‌های کلی جامعه به فرهنگ غربی، جذابیت ورزش‌های تفریحی غربی
دیدگاه مردسالارانه	تطابق با نیازهای مردان تسلط اعتقادات مردسالارانه	مناسب بودن برای مردان، نظر نگرفتن محدودیت‌های زنان اعتقاد به مردانه بودن فعالیت تفریحی ورزشی، غلبه دیدگاه مردسالارانه به دلیل کمبود دسترسی زنان به منابع قدرت
ضعف در سرمایه فرهنگ ورزش زنان	ضعف در فرهنگ سازی وجود باورهای غالبی ضعف در الگوسازی وجود فرهنگ اوقات فراغت غیرفعال	ضعف کلی فرهنگی در ورزش بانوان، کمبود توجه به ورزش پرورشی و تربیتی، عدم فرهنگ‌سازی هدفمند در مدارس و دانشگاه‌ها، ضعف در غنی‌سازی فرهنگ در رسانه پیش زمینه ذهنی منفی در مورد تاثیر ورزش در حوزه زنان عدم الگوسازی ورزش تفریحی ایرانی اسلامی، عدم الگوسازی زنان موفق در این حوزه نهادینه شدن اوقات فراغت غیرفعال، سبک زندگی ساکن بین زنان سالمند
عدم حمایت اجتماعی موانع انگیزشی	موانع خانوادگی موانع اجتماعی ضعف اطلاعاتی ضعف در ایجاد انگیزه ضعف در بخش تبلیغات	عدم وجود همراه، اولویت در خانواده، تعصبات خانوادگی دیدگاه منفی جامعه، عدم اعتماد به توانمندی زنان ضعف در اطلاع‌رسانی، کمبود زیرساخت علمی محدود بودن اقدامات انگیزشی توسط ارگان‌های ذی‌ربط ضعف تبلیغاتی در حوزه معرفی مراکز، در اولویت نبودن ورزش تفریحی در رسانه ملی

شرایط زمینه‌ای بیان‌گر مجموعه خاصی از عوامل مؤثر بر فقدان زیرساخت فرهنگی مناسب برای زنان در مراکز تفریحی ورزشی است. مفاهیم و مقولاتی که در سه مقوله اصلی موانع امکاناتی و تسهیلاتی، موانع اقتصادی و موانع مدیریتی دسته‌بندی شده‌اند در جدول (۳) مشاهده می‌گردد.

جدول ۳- مفاهیم، مقولات فرعی و اصلی مرتبط با شرایط زمینه‌ای

مقوله اصلی	کدهای باز ثانویه	کدگذاری باز اولیه (مفاهیم)
عوامل امکاناتی و تسهیلاتی	کمبود فضا	ضعف امکانات ورزشی در بخش اماکن دولتی، کمبود فضاهای اختصاصی
	کمبود تسهیلات	عدم احساس امنیت، خانواده محور نبودن فضا
عوامل اقتصادی	هزینه مشارکت در ورزش‌های تفریحی	پایین بودن هزینه سایر گزینه‌های گذراندن اوقات فراغت، بالا بودن هزینه‌های ورزش‌های تفریحی جذاب
	موانع اقتصادی در بخش ارائه دهندگان خدمات	در اولویت نبودن ورزش‌های تفریحی برای اختصاص بودجه، ناموفق بودن در جذب حامی مالی
	ضعف در برنامه ریزی	ضعف در استانداردها، عدم توجه به حوزه توریسم ورزشی در برنامه ریزی، کمبود رویدادهای ملی، نبود رویدادهای منطقه‌ای
عوامل مدیریتی	موانع نظارتی	نظارت ناکافی بر بخش خصوصی، عدم شفاف سازی اقدامات

شرایط مداخله‌گر اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع کرده و یا به عنوان یک مانع دچار تأخیر می‌کند، که در پژوهش حاضر در قالب دو مقوله اصلی عوامل فردی و گرایش‌های مذهبی شناسایی شد.

جدول ۴- مفاهیم، مقولات فرعی و اصلی مرتبط با شرایط مداخله‌گر

مقوله اصلی	کدهای باز ثانویه	کدگذاری باز اولیه (مفاهیم)
عوامل فردی	کمبود زمان	کمبود زمان به دلیل نقش‌های چندگانه زنان
	عدم اعتماد به نفس	ضعف در خودپنداره بدنی، ترس از قضاوت
	راحت طلبی	تمایل به انتخاب گزینه‌های دیگر به دلیل سهولت دسترسی، تمایل به روش‌های غیر فعال به جای روش‌های فعال
گرایش‌های مذهبی	تعارضات مذهب و ورزش زنان در اماکن عمومی	برخی تعارضات بین مسائل مذهبی از جمله حفظ حجاب و شان زنان و ورزش زنان در اماکن عمومی

راهبردها و اقدامات، طرح‌ها و کنش‌هایی هستند که به رفع موانع زیرساخت فرهنگی مناسب برای زنان در مراکز تفریحی ورزشی کمک می‌کنند. در مرحله کدگذاری ۸ مقوله فرعی و در نهایت سه مقوله اصلی در حوزه راهبردها شناسایی شد که در جدول (۵) قابل ملاحظه می‌باشد.

جدول ۵- مفاهیم، مقولات فرعی و اصلی مرتبط با راهبردها

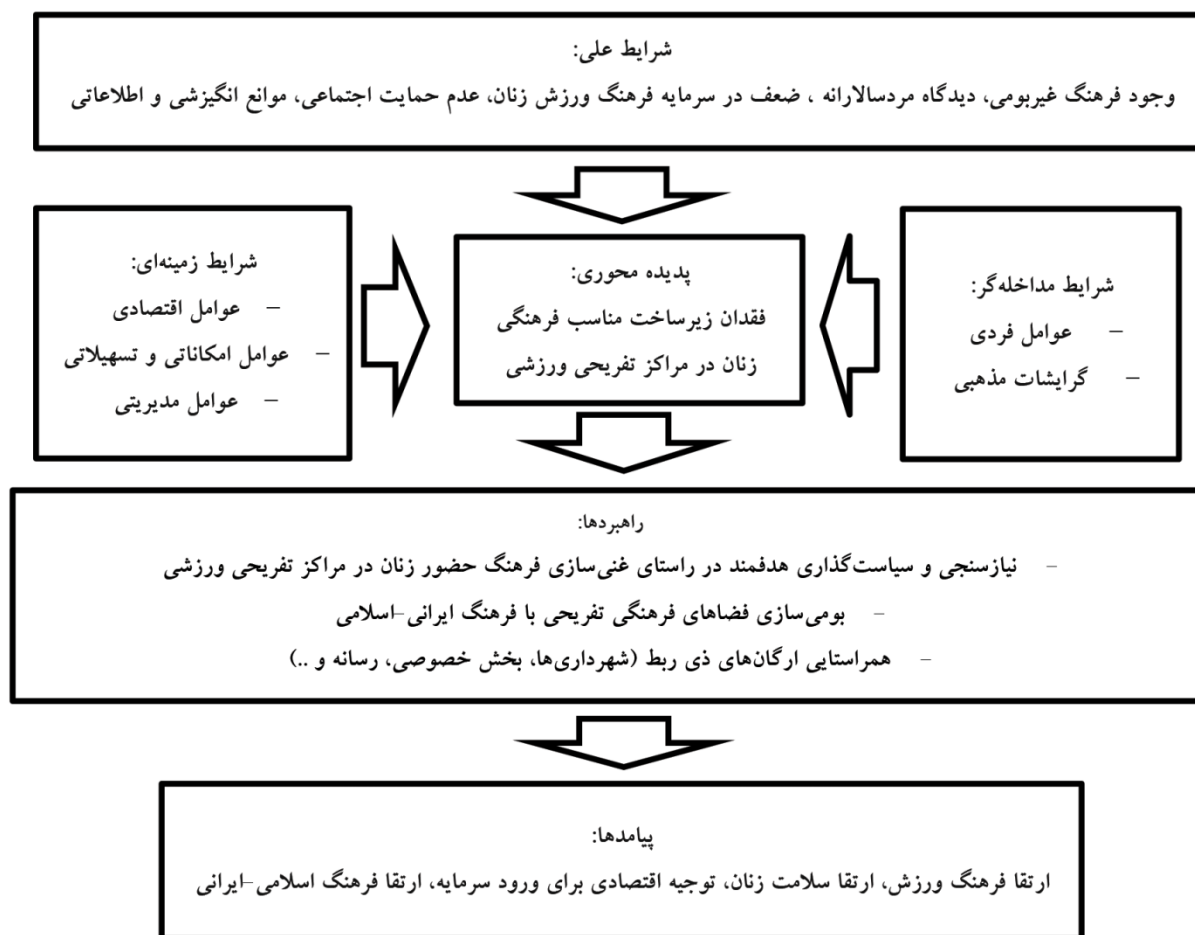
مقوله اصلی	کدهای باز ثانویه	کدگذاری باز اولیه (مفاهیم)
نیازسنجی	دریافت نظرات و دیدگاه‌ها	دریافت نظر و پیشنهادات نیازهای زنان، در نظر گرفتن دیدگاه سنتی و مدرن
	ریشه یابی	بررسی علل کمبود حضور خانواده‌ها، بررسی علل بروز ناهنجاری
بومی سازی	بروز رسانی	بروزرسانی ورزش‌های بومی از جهت ساختار، امکانات، قوانین
	تبلیغات	معرفی ورزش‌های تفریحی بومی، برگزاری رویدادهای مربوط
همراستایی ارگان‌های ذی ربط	جهانی‌سازی	برنامه‌ریزی در جهت معرفی ورزش‌های بومی تفریحی در سطح جهانی، برگزاری رویدادهای برون‌مرزی
	همسوسازی بخش خصوصی	اقدامات انگیزشی برای همراستایی بخش خصوصی، قانونگذاری
	استفاده از سازمان‌های یاری دهنده	استفاده از پتانسیل‌های رسانه در برگزاری رویدادهای تفریحی ورزشی زنان، استفاده از پتانسیل‌های سازمان‌های دولتی
	استفاده از بسترهای فرهنگی‌سازی	استفاده از بسترهای آموزش و پرورش، استفاده از بسترهای آموزش عالی

پیامدها، شامل نتایج مشهود و یا نامشهودی است که در اثر اجرای راهبردها ایجاد می‌شوند. این پیامدها در قالب جدول (۶) قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۶- مفاهیم، مقولات فرعی و اصلی مرتبط با پیامدها

مقوله اصلی	کدهای باز ثانویه	کدگذاری باز اولیه (مفاهیم)
توجیه اقتصادی برای ورود سرمایه	تمایل به ورود سرمایه	تمایل حامیان مالی به سرمایه‌گذاری به دلیل بازگشت سرمایه، تمایل خیرین دغدغه‌مند فرهنگی به سرمایه‌گذاری
	فرصت‌های شغلی	افزایش تعداد فرصت‌های شغلی، افزایش تنوع فرصت‌های شغلی
ارتقا سلامت زنان	ارتقا سلامت زنان در ابعاد گوناگون	نقش ارتقا فرهنگ ورزش تفریحی زنان در بعد سلامت روان، سلامت اجتماعی، سلامت جسمانی، گسترش سبک زندگی سالم
	ارتقای فرهنگ ورزش در سنین و ابعاد مختلف	ارتقا فرهنگ ورزش در بین فرزندان خانواده، نهادینه شدن فرهنگ ورزش در سالمندی، ارتقا فرهنگ ورزش قهرمانی
ارتقا فرهنگ اسلامی-ایرانی	تطابق با فرهنگ اسلامی-ایرانی	رعایت هنجارهای اجتماعی، رعایت هنجارهای مذهبی

مدل نهایی پژوهش به شرح شکل (۱) می‌باشد.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

نتیجه گیری

مدیریت نادرست اوقات فراغت، در درازمدت، می‌تواند عواقب نامطلوبی بر پتانسیل‌های زیستی، اجتماعی و فرهنگی هر جمعیت داشته باشد. نحوه گذراندن اوقات فراغت منعکس‌کننده فرهنگ و ارزش‌ها و معیارهای جامعه است. اگر اوقات فراغت افراد با ارزش‌های رایج جامعه مغایرت داشته باشد، تبدیل به یک مشکل یا معضل اجتماعی می‌شود. بنابراین اوقات فراغت با توجه به معیارهای فرهنگی می‌تواند هم نقش سازنده و هم مخرب داشته باشد (Soltani, 2018). عوامل فرهنگی در پژوهش‌های متعددی به عنوان یکی از محدودیت‌های گذران اوقات فراغت در محیط‌های تفریحی ورزشی گزارش شده است، که این امر در حوزه زنان بیشتر به چشم می‌خورد. همان‌طور که نتایج پژوهش عرب‌مقدم و شیخ‌السلامی (Arab Moghadam and Sheykhol Eslami, 2007) نشان می‌دهد زنان ایرانی بیشترین محدودیت‌ها را در رابطه با فقدان ساختار برای دستیابی و استفاده از فرصت‌ها در جامعه دارند و محدودیت‌های فرهنگی خاص مبتنی بر دیدگاه‌های سنتی و اجتماعی در اوقات فراغت یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها می‌باشد؛ البته این امر نه تنها در کشور ما، بلکه در جوامع مختلف با فرهنگ‌های نیز با محدودیت‌هایی برای زنان همراه بوده است. از جمله در پژوهشی که جین و وستون (Jin & Whitson, 2014) در رابطه زنان و سنت‌ها با فعالیت‌های تفریحی در اماکن عمومی اوقات فراغت در شهر پکن انجام دادند، بیان می‌دارند: جغرافیدانان و دانشمندان اوقات فراغت فمینیستی مدت‌ها استدلال می‌کنند که یکی از راه‌های مهم برای فهم هنجارها و انتظارات

جنسیتی، بررسی دسترسی زنان و تجربیات فعالیت‌های اوقات فراغت آنهاست. نتایج این پژوهش نشان داد رفتار زنان در فضاهای اوقات فراغت عمومی در پکن معاصر، همچنان با هنجارهای جنسیتی کاملاً محدود است؛ همچنین نتایج پژوهش راماناتان و کروکر (Ramanathan & Crocker, 2009)، در کشور هند، تاثیرگذاری میراث فرهنگی بر هنجارها، نگرش‌ها و الگوهای فعالیت بدنی زنان هندی و اهمیت مذهب بر بعد فرهنگ این جامعه را نشان داد. نوع خاصی از هنجارهای اجتماعی تحت عنوان نقش‌های جنسیتی دختران و پسران در حوزه ورزش به طور گسترده‌ای در روانشناسی ورزش به اثبات رسیده است. این نقش‌های جنسیتی، طی فرآیند جامعه‌پذیری به وجود می‌آیند. زنان هر جامعه‌ای تحت تأثیر این هنجارها و باورهای جنسیتی (محدودکننده یا تسهیل‌کننده)، نرخ مشارکت متفاوتی در حوزه ورزش خواهند داشت. مرور تاریخی بیشتر جوامع، بیان‌کننده نقش حاشیه‌ای زنان در ورزش است که احتمالاً بخشی از آن متأثر از ایدئولوژی جنسیتی حاکم بر تصمیم‌گیرندگان ورزش زنان است (Alivand et al., 2018). براساس نتایج پژوهش الجایوسی و همکاران (Aljayyousi et al, 2019)، الگوهای فعالیت بدنی در کشور قطر دارای گرایش‌های مردانه است؛ همچنین در مطالعه‌ای که راماناتان و کروکر (Ramanathan and Crocker, 2009) بر رفتار در حوزه فعالیت بدنی زنان هندی انجام دادند، نتایج نشان داد پدران و برادران بیشترین تأثیر را در الگوهای رفتاری داشتند. در پژوهش علی‌وند و همکاران (Alivand et al., 2018) هنجارهای جنسیتی و در پژوهش رضایی‌کمرپشتی و آقاخان‌بابایی (Rezaei Kemerpashti and Aga Khan Babaei, 2019) وجود فرهنگ مرد محوری، به عنوان مهم‌ترین مانع مرتبط با مشارکت ورزشی زنان شناسایی شد.

سرمایه‌های فرهنگی متفاوت، اوقات فراغت متفاوتی را به همراه دارند؛ در این راستا نتایج مطالعه هارن و همکاران (Harinen et al, 2012) و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (Organisation for Economic Co-Operation and Development, 2009) آمریکا، در مورد اوقات فراغت در فرهنگ‌های متفاوت، تایید کننده این امر می‌باشد. ضعف در سرمایه فرهنگی ورزش زنان به این امر اشاره دارد که ورزش زنان نه تنها در بعد تفریحی، بلکه به طور عام دارای ضعف می‌باشد. فرهنگ در سال‌های متمادی و در اثر مشوق‌ها و تکرار در افراد نهادینه می‌شود. آموزش و پرورش و آموزش عالی دو ارگان قوی در ایجاد سرمایه فرهنگی، در بعد ورزش زنان می‌باشند. این امر در بخش پسران با تعدیل فرهنگ مردسالارانه و رعایت حقوق زنان در محیط‌های عمومی و در بخش دختران با ایجاد اعتماد به نفس و حمایت آن‌ها در ورزش‌های تفریحی در ایجاد سرمایه فرهنگی در حوزه ورزش تفریحی در اوقات فراغت مورد توجه است. نقش رسانه با توجه به تاثیرگذاری و همگانی بودن آن، در ایجاد سرمایه فرهنگی غیرقابل انکار است.

حمایت اجتماعی مفهومی چندبعدی است که به اشکال و طرق مختلفی تعریف شده است. برخی پژوهشگران، حمایت اجتماعی را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه، و کمک دریافت شده توسط فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر مانند اعضای خانواده، دوستان و دیگران تعریف کرده‌اند.

رسانه با باتوجه به قابلیت‌ها و فرصت‌های پیش رو، یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرهنگی در هر جامعه است که می‌تواند از طریق اطلاع رسانی و تبلیغات به ایجاد انگیزه مشارکت و غنی‌سازی فرهنگی در ابعاد مختلف بپردازد. یافته‌های تحقیق و اظهارات آزمودنی‌ها در پژوهش ایرج‌پور و همکاران (Irajpour et al, 2015) نشان داد، باوجود تأثیر رسانه‌های جمعی بر توسعه فرهنگی ورزش کشور، رسانه‌های جمعی توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله نداشته‌اند، در ضمن بیشتر برنامه‌های ورزشی رسانه‌ها در ارتباط با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای می‌باشد و ورزش

همگانی و تفریحی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، می‌توان برنامه‌ریزی عملیاتی مناسبی در جهت تعامل با رسانه‌ها و استفاده از ظرفیتهای آنها برای توسعه فرهنگی ورزش کشور در ابعاد مختلف انجام داد. عبدوی و فرخی (2012) در بررسی نقش رسانه در توسعه فرهنگ ورزش در اوقات فراغت زنان نشان دادند، بین سطح آگاهی بانوان از منافع بهداشتی حاصل از ورزش در اوقات فراغت و فعالیت رسانه رابطه مستقیم و معنی دار وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش سیدعامری و محمدآلق (Seyed Ameri and Mohammad Alegh, 2013) نشان داد راهکارهای تبیین شده در رابطه با رسانه‌های گروهی در جذب و افزایش مشارکت شهروندان در برنامه‌های ورزشی تفریحی نقش دارند. لذا اختصاص زمان بیشتری به برنامه‌های ورزشی در رسانه، با محتوای اطلاع-رسانی و تبلیغات می‌تواند در ایجاد فرهنگ مشارکت در اماکن تفریحی ورزشی موثر باشد که این امر در بخش بانوان بسیار ضعیف می‌باشد.

زنان در دنیای امروز به عنوان نیروی تغییر و اثرگذار بر جامعه شناخته می‌شوند و انتخاب هر نوع سبک زندگی از سوی زنان، نه تنها بر زندگی شخصی آن‌ها، بلکه بر رفتارها و سبک زندگی سایر افراد خانواده نیز تاثیرگذار است؛ از طرفی ایجاد و غنی‌سازی ساختار فرهنگی مناسب برای زنان در اماکن تفریحی ورزشی، منجر به افزایش مشارکت و حضور زنان و خانواده‌ها در این گونه اماکن می‌گردد؛ بنابراین با توجه به اهمیت هر چه بیشتر نقش زنان در ساختن و بازآفرینی الگوها، فراهم آوردن فضای فرهنگی مناسب برای زنان می‌تواند در ارتقا فرهنگ ورزش در جامعه موثر باشد؛ از طرفی ایجاد فضای مناسب فرهنگی در اماکن تفریحی ورزشی، می‌تواند منجر به افزایش تمایل زنان و خانواده‌ها به گذراندن اوقات فراغت به شیوه‌ای فعال در این گونه مراکز و در نتیجه بهره‌گیری از مزایای فعالیت بدنی در ایجاد سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی باشد. تجربه مطلوب‌باز حضور در مراکز تفریحی ورزشی می‌تواند منجر به تمایل به تکرار رفتار گردد، که این امر منجر به افزایش حضور زنان و خانواده‌ها در این مراکز می‌گردد، که می‌تواند باعث رونق اقتصادی در این بخش گردد.

برای دستیابی به نتایج فوق، نیازسنجی و سیاست‌گذاری، هم‌راستایی ارگان‌ها برای دستیابی به اهداف و بومی‌سازی فعالیتهای اوقات فراغت نتایج مطلوبی را در راستای رفع موانع فرهنگی حضور زنان در مراکز تفریحی ورزشی و استفاده از منافع حاصل از آن، به همراه خواهد داشت.

منابع

- Abbasi Bakhtiari, Reza (1390). Investigating the Interactions of Culture and Sports, National Conference on Cultural Industries and Its Role in Sustainable Development, Islamic Azad University, Kermanshah Branch. (Persian)
- Abbasi, I.N. (2014). Socio-cultural Barriers to Attaining Recommended Levels of Physical Activity among Females: A Review of Literature, A Review of Literature, *Quest*, 66(4): 448-467. (Persian)
- Abbaszadeh, Mohammad; Mobarakbakhshayesh, Morteza and Maroofpour, Mina. (1392). Investigating the relationship between social, economic and cultural capital and leisure time among male and female high school students in Naghadeh, *Iran Social Science Studies*, 10 (38): 126-160. (Persian)
- Abedini, Samad and Talebi, Sheida. (1396). Socio-cultural factors related to the tendency of citizens to popular sports in Khalkhal, *Applied Sociology*, 28 (1): 131-144. (Persian)
- Alborzi, Siddique and Mozaffari, Ruhollah. (1394). Identifying barriers to the use of public educational and cultural sites and related factors (Study of women in Shiraz). *Bi-Quarterly Journal of Social Participation and Development*, 1 (1), 83-104. (Persian)
- Aligol, M. Keshavarz Mohammadi, N. Mohamadbeigi, A. Hardy, L. & Ramezankhani, A. (2017). Physical Activity and Associated Factors among Women in a Suburban Area: Findings of a Community-Based Study in Iran, *Journal of Fundamental and Applied Sciences*. 9(1S), 1313-1326. (Persian)

- Alivand, Alinoor; Maleki, Amir; Pasamehr, Mehraban and Ghasemi, Hamid. (1396). Sociological Explanation of Women's Sports Participation with Emphasis on Gender Norms (Case Study: Women of Ilam Province), *Ilam Culture*, 18 (56): 7-31. (Persian)
- Aljayyousi, G.F. Munshar, M.A. Salim, F & Osman, E.R. (2019). Addressing context to understand physical activity among Muslim university students: the role of gender, family, and culture, *BMC Public Health*, (19): 1452. (Persian)
- Arab-Moghaddam, N. & Sheikholeslami, R. (2007). Women's Leisure and Constraints to Participation : Iranian Perspectives, *Journal of Leisure Research* 39(1). (Persian)
- Banagar, Abbas; Sabzalipour, Maryam; Mohammadi, Abbas Ali and Mirzaei, Mashallah. (1394). Leisure, cultural capital and women (Case study of women in Amol city). The Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran . (Persian)
- Darabi, Mehri; Gaini, Abbas Ali and Vmivand, Parvaneh. (1388). Study of cultural factors affecting the tendency to sports activities in women aged 25 to 40 years in Tehran, *Research in Sports Sciences*, (24), 77-88. (Persian)
- Ebrahimi, Ghorban Ali; Razeghi, Nader and Muslimi Petroudi, Roghayeh. (1390). Leisure and social factors affecting it. *Applied Sociology*, 22 (4): 71-98. (Persian)
- Habibi, Leila and Nikpour, Amer. (1396). Analysis of women's attitudes towards the formation of tourism-leisure spaces for women, a case study: Amol Women's Park, *Journal of Tourism Planning and Development*, 6 (21): 96-115. (Persian)
- Hamzehzadeh Afkham, Shermin and Najafzadeh, Mohammad Rahim. (1394). Relationship between cultural capital and leisure time with emphasis on sports activities in people aged 18-29 in Mahabad city, National Conference on Applied Sports and Health Sciences, Tabriz. (Persian)
- Harnen, P.M. Honkasalo, M.V. Ronkainen, L.K. & Suurpaa, L.E. (2012). Multiculturalism and young people's leisure spaces in Finland: perspectives of multicultural youth. *Journal Leisure Studies*, 31(2): 177-191.
- Irjapour, Alireza; Mjparad, Nahid and Dabbagh Rezaieh, Faramarz. (1393). Investigating the role of mass media in the cultural development of public and professional sports in the country. *Bi-Quarterly Journal of Sports Management and Development*, 5 (2): 35-52. (Persian)
- Jafari, Ali Akbar and Qasemi, Naema. (1392). The ancient sport of Zurkhaneh and its place in the promotion of Shiism, *Quarterly Journal of Shiite Studies*, 11 (42). (Persian)
- Jalali Farahani, Majid. (1386). *Leisure and Recreational Sports Management*, Tehran: University of Tehran Press. (Persian)
- Jin, X & Whitson, R. (2014). Young women and public leisure spaces in contemporary Beijing: Recreating (with) gender, tradition, and place. *Social & Cultural Geography*, 15(4): 1-21.
- Juhari, N.L.A.B. Parnabas, V. & Syurno, S. (2015). Barriers in Physical Activity Participation among Muslem Women. 7th International Conference on Humanities And Social Science.
- Koca, C. Henderson, K. Asci, F.H. & Bulgu, N. (2009). "Constraints to Leisure-Time Physical Activity and Negotiation Strategies in Turkish Women". *Journal of Leisure Research*, 41(2): 225-251.
- Laar, R. Shi, S. & Ashraf, M.A (2019). Participation of Pakistani Female Students in Physical Activities: Religious, Cultural, and Socioeconomic Factors. *Religions*, 10(11):617.
- Lacombe, J. Armstrong J. M.E.G. F. Wright, L. & Foster, C (2019). The impact of physical activity and an additional behavioural risk factor on cardiovascular disease, cancer and all-cause mortality: a systematic review. *BMC Public Health* 19, 900.
- Lee, J. (2001). A grounded theory: Integration and Internalization in ERP adoption and use, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
- Lenneis, V. & pfister, G. (2017). When girl have no opportunities and women have neither time nor energy: the psrticipation of muslim female cleaner in recreational physical activity. *Sport in scociety*, (9): 1-20.
- Miriusfi, Jalil Ramezani Nejad, Rahim and Rahmati, Mohammad Mehdi. (1395). Investigating the role of social culture development in the cultural development of championship sports, human resource management in sports, 4 (1), 131-146. (Persian)
- Motameni, Alireza; Hemmati, Amin and Moradi, Hadi. (1393). Identifying and prioritizing barriers for women in sports activities, *Sports Management Studies*, (24): 111-130. (Persian)
- Mursel, Baqher. (1393). Managing and planning the participation of the people of Tehran in outdoor sports recreation; According to the motivations, obstacles, leisure satisfaction and life satisfaction, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Physical Education and Sports Sciences. (Persian)

- Nazari Azad, Masoumeh; Talebpour, Akbar and Kashani, Majid. (1398). Sociological Analysis of Gender Inequality in Sport (From the Perspective of Women Athletes National Champions), *Women and Society*, 10 (40): 289-316. (Persian)
- Nowak, P. Bozek, A. & Blukacz, M. (2019). Physical Activity, Sedentary Behavior, and Quality of Life among University Students. *BioMed Research International*: 1-10.
- Organisation for Economic Co-Operation and Development (2009). Leisure varies across countries and cultures, 9(4).
- Qolizadeh, Azar and Seyed Salehi, Sepideh. (1394). The role of sports network programs in promoting the sports culture of housewives in the fifth district of Tehran, *Journal of Cultural Management*, 9 (28): 23-49. (Persian)
- Ramanthahan, S. & Crocker, P.R.E. (2009). The Influence of Family and Culture on Physical Activity among Female Adolescents from the Indian Diaspora. *Qualitative Health Research*, 19(9): 492-503.
- Remacha, M.S. González, L.G. Serrano & J.S. Aibar, A. (2019). Barriers to Physical Activity in Disadvantaged Population: A Qualitative Comparison between Roma and Non-Roma Women. *Research quarterly for exercise and sport* 90(2):1-11.
- Rezaei Kamarpashti, Sahar and Aga Khan Babaei. (2016). Identifying and prioritizing barriers to women's advancement in public sports (Case study of women in Hormozgan province). The first national conference on new research findings in sports science in the field of health, social vitality, entrepreneurship and championship, Ahvaz. (Persian)
- Safiri, Khadijeh; Modiri, Fatemeh (1390). Gender differences in leisure. *Social Analysis Quarterly Journal of Social Order and Inequality*, 1 (59): 147-169. (Persian)
- Seyyed Ameri, Mir Hassan and Mohammad Alaq, Ghorbanobardi. (1391). Explaining Strategies for Attracting and Increasing Citizen Participation in Public and Recreational Sports Programs (Case Study: Urmia), *Sports Management and Motor Science Research*, 2 (4): 23-34. (Persian)
- Shariati Feizabadia, M.Salsali, S. Moeinirad, S & Nikravan, F (2012). The study of problems & barriers of female students for the sport participation in Mashhad city. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 31, 28-30.
- Soltani Banavandi, Mahin. (1396). The need to develop new approaches to leisure in accordance with the religion of Islam. Conference on Management of Economics, Accounting and Human Resources, Shiraz University. (Persian)
- Strauss, A.L., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, 2nd Ed., Sage.
- Tatari, Ehsan; Ehsani, Mohammad; Koozeshian, Hashem and Norouzi Seyed Hassani, Rasool. (1398). Designing a Model of Social Marketing Implementation Requirements in the Recreational Sports of the Country Using Data Foundation Theory, *Sports Management Studies*, (53): 33-58. (Persian)
- The Lancet Public Health (2019). Time to tackle the physical activity gender gap. (19): e360.
- Tondnevis, Fereydoun. (1381). The place of sports in the leisure time of the Iranian people. *Research in Sports Science*, 1 (4), 115-133. (Persian)
- Zakai, Mohammad Saeed (1390). Historical understanding of Iranian leisure in the works of Iranian and foreign travel writers (1600-1900). *Social Science Quarterly*. (57): 76-109. (Persian)